

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران – توفان

۱۲ جون ۲۰۱۱

جنبش دموکراتیک ۲۲ خرداد [جوزا] و سایر جنبشهای اعتراضی و

دورنمای آن

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

جنبش مشهور به سبز ماهیتاً یک جنبش دموکراتیک بود. این جنبش در شکل کار، اعتراض خودجوش مردم نسبت به تقلب در انتخابات فرمایشی بروز کرد. این برای نخستین بار نیست که رژیم جمهوری اسلامی با ریاکاری و در خدمت منافع اسلام در آراء مردم تقلب می کند. رژیم جمهوری اسلامی علی رغم اینکه موانع بسیاری بر سر راه نامزدهای انتخاباتی از جمله ایجاد نظارت استصوابی در شورای نگهبان برقرار کرده است تا نمایندگان "منتخب مردم" و رؤسای جمهور را از صافی "خودی" و "غیرخودی" عبور دهد و تنها نوکران دست به سینه و وفادار را به عرصه مبارزات انتخاباتی بفرستد، ولی باز هم مطمئن نیست که با تمام این شگردهای نظارتی به منظور خویش نایل آید. آنها حتی مصونیت نمایندگان مجلس را از بین برده اند و مدعی شدند که اصل نظارت استصوابی برای تمام دوران نمایندگی مجلس اعتبار دارد و به این ترتیب یک ابزار فشار سیاسی برای اعمال نفوذ مستقیم در آراء نمایندگان مورد اعتمادشان ایجاد کردند. در شرایطی که این ابزار کارائی نداشته باشد عامل چماق و تهدید مستقیم به قتل تمام زمینه های "اقتناع" یا سکوت را فراهم می آورد. انتخابات ۲۲ خرداد [جوزا] ۱۳۸۸ نیز تافته جدا بافته ای نبود. این انتخابات از روز نخست تقلبی بود. رهبران جنبش سبز مهر تأیید بر تمام این موانع ضد دموکراتیک زدند و خود از صافی شورای نگهبان گذشتند.

ولایت فقیه و رئیس جمهورش در همین انتخابات تقلبی، تقلب کردند و از صندوقها افراد مطیع تر و سر به راه تر را بیرون کشیدند. جنبش سبز این توهین مستقیم به مردم را نپذیرفت و آن انگیزه ای شده تا مردم خشم نهفته سی ساله خویش را به تمامیت رژیم جمهوری اسلامی به نمایش بگذارند. جنبش سبز یک جنبش خودبه خودی و توده ای بود که با خواستهای دموکراتیک به میدان آمد و این خواستها را ارتقاء داد و از رهبران خویش پیشی گرفت و لزوم سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را طرح کرد. ترکیب طبقاتی این جنبش شامل طبقات متوسط، اقشار روشنفکران، آموزگاران، دانشجویان و به سخنی نخبه های جامعه بودند. زنان نقش ویژه ای در این جنبش داشتند و این امر نیز به علت ستم مضاعفی که بر زنان ایران وارد می شود کاملاً طبیعی بود. زنان ایران که از همان زمان انقلاب در

صفوف مقدم مبارزه قرار گرفتند در ۲ خرداد [جوزا] و ۲۲ خرداد با شرکت وسیع خویش در جنبشهای اعتراضی خشم خویش را نسبت به رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نشان دادند. نقش زنان در تمام حرکت‌های اجتماعی ایران و به ویژه در سالهای اخیر برجسته و بی مانند بوده است.

طبقه کارگر ایران به مثابه طبقه و نه افراد جداگانه، نه از نظر سیاسی و نه از نظر کمی و کیفی در این جنبش شرکت داشت و از آن به کنار ماند. خواستهای جنبش نیز در حد همان خواستهای دموکراتیک بورژوائی محدود ماند و نتوانست و یا نخواست پیوندی با خواستهای طبقه کارگر ایجاد کند و این ضعف جنبش و یکی از عوامل شکست آن بود. گرچه این جنبش به علل فقدان یک سازمان سراسری انقلابی رهبری کننده قدرتمند و پرنفوذ و مورد اعتماد مردم، فقدان دورنمای کسب قدرت سیاسی و وجود رهبران سازشکار، دور ماندن از طبقه کارگر به شدت سرکوب شد، ولی دستاوردهای این جنبش نیروی محرکه مبارزات بعدی مخالفان رژیم جمهوری اسلامی است. این جنبش خواستهای دموکراتیک مردم را که از احترام به انسان و حقوق وی سرچشمه می گرفت در صدر مبارزه قرار داد و نشان داد مبارزه برای تحقق خواستهای دموکراتیک تا به چه حد در میان مردم برد و مقبولیت دارد.

جنبش ۲۲ خرداد [جوزا] مجدداً این نظریه حزب ما را تأیید کرد که به مبارزه دموکراتیک تکیه کند زیرا که این مبارزه قدرت بسیج فراوان داشته و اقشار گوناگون و عظیم مردم را در بر می گیرد. مبارزه به ضد ستمگری و خفقان، به ضد خودسری و فقدان امنیت، به ضد دستگاه قضائی بیدادگر و مملو از تبعیض، به ضد برگزیدگان صاحب حقوق ویژه و مسلط بر جامعه، به ضد سرکوب زنان و بی توجهی به حقوق مساوی آنها با مردان و... جزو وظایف کمونیست‌هاست. مبارزه در راه استقرار سوسیالیسم که قطبنمای حرکت ماست باید از مرحله تحقق دموکراسی عبور کند. در دوران استقرار دموکراسی و یا در پیکار برای کسب آن است که اهمیت سوسیالیسم و حقانیت آن روشن می شود.

جنبش دموکراتیک ۲۲ خرداد نشان داد که دموکراتیسم در ایران پایگاه وسیعی دارد و خواست سوزان مردم است. این است که حزب ما باید مانند گذشته با تمام توان در راه تحقق حقوق دموکراتیک مردم و مبارزه با هرگونه ستمگری و سرکوب و خفقان مبارزه کند.

خطراتی که جنبش سبز را تعقیب می کند نه تنها از جانب رهبران اصلاح طلب است بلکه گروه های بی نام و نشان از بی سازمانی جنبش خود به خودی سبز سوء استفاده کرده و خود را نماینده سبزها می نامند. سلطنت طلبان و حامیان امپریالیسم و صهیونیسم نیز به یک باره به رنگ سبز در آمده اند و به ویژه در رسانه های گروهی غرب و در شبکه اینترنت فعالند و نظریات انحرافی ناسیونال شوینیستی شاهپرستانه و ضد عرب و فلسطینی و حمایت از صهیونیستها را ترویج می کنند. راه شناسائی و افشاء آنها در طرح شعارهای ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد سلطنت و همبستگی مردم ایران با خلقهای منطقه است. وفاداران و یاران صمیمی جنبش سبز طبیعتاً باید هوشیار باشند و با تلفیق مبارزه دموکراتیک با مبارزه ضد امپریالیستی مانع شوند که دشمنان مردم ایران این جنبش را به کجراه برند.

همانطور که بیان کردیم در ایران یک انتخابات ضد دموکراتیک و تقلبی انجام گرفت. حتی اگر در این انتخابات جناح سبز حاکم می شد از نظر حزب ما به این مفهوم نبود که انتخابات تقلبی صورت نگرفته است. یک انتخابات از نظر حقوق بورژوائی زمانی آزاد و دموکراتیک است که احزاب حق فعالیت آزادانه داشته باشند، سانسور از بین برود، آزادی بیان و مطبوعات حاکم باشند. رسانه های گروهی در اختیار همه نیروهای فعال سیاسی قرار گیرد و آنها فرصت معرفی نامزدهای انتخاباتی خویش را داشته باشند. نامزدهای انتخاباتی باید احساس امنیت کنند و کسی

حق ندارد متعرض آنها شود. باید تساوی حقوق زن و مرد در تمام عرصه های اجتماعی به رسمیت شناخته شود تا زنان نیز بتوانند مانند مردان خود را برای ریاست جمهوری معرفی کنند. باید محدودیتهای قومی و مذهبی را حذف کرد تا برای کسی مانع انتخاب شدن وجود نداشته باشد. آنوقت است که می توان از انجام یک انتخابات آزاد سخن گفت و حزب ما برای تأمین چنین شرایطی مبارزه می کند. در انتخابات ۲۲ خرداد هیچکدام از این مقدمات فراهم نبود و به این اعتبار این انتخابات از بدو امر تقلبی بود و نمی شد آنرا کتمان کرد. تحریم انتخابات تقلبی امر درستی بود.

بعد از سرکوب جنبش سبز و خانه نشین شدن رهبران آن موج بگیر و ببند و دستگیری و فرار فعالان آن شروع شد. در ترکیه و یونان هزاران فراری ایرانی وجود دارند که اتحادیه اروپا از پذیرش آنها به عنوان پناهنده سیاسی سرباز می زند و آنها را برای همکاری و همدستی با صهیونیستها و امپریالیستها تحت فشار قرار می دهد. سازمانهای سلطنت طلب بسیار در این راستا فعالند و با دول مربوطه همکاری فراوان دارند. هر کس فوراً تسلیم شود بهترین امکانات را در اختیار وی قرار می دهند وگرنه عفریت شوم بی حقی، تعقیب و بی خانمانی و بی پولی آنها را تهدید می کند.

در کنار مبارزات کارگران و جنبش دموکراتیک اعتراضی به تقلب در انتخابات ما در طی سالهای گذشته با جنبشهای اعتراضی فراوانی برای بهبود شرایط زندگی و یا کسب حقوق مدنی روبرو بوده ایم. چندین بار آموزگاران حق التدریس برای دریافت حقوق عقب افتاده خویش به اعتراض دست زده اند. این آموزگاران در مناطق روستائی و دورافتاده درس می دهند و میزان حقوق آن ها تنها کفاف هزینه رفت و آمد آن ها را می دهد. يك معلم حق التدریس در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی فارس افزود: اگر يك معلم حق التدریس با مدرک کارشناسی، ۱۲ ساعت در هفته در آموزش و پرورش تدریس داشته باشد، معادل ۶۰ هزار تومان حقوق می گیرد. این آموزگاران فاقد بیمه اند و تمام این سختی ها را از آن جهت تحمل می کنند که دولت آنها را به استخدام رسمی درآورد.

آموزگان برای جلب توجه مسئولین چندین بار به اعتراضات مسالمت آمیز دسته جمعی از سراسر ایران حتی در مقابل مجلس شورای اسلامی دست زده اند. آنها خواهان استخدام رسمی شان از سوی آموزش و پرورش می باشند: وزارت آموزش و پرورش وعده داده بود آموزگاران که دارای پنج سال سابقه حق التدریسی هستند به استخدام رسمی آموزش و پرورش در آیند ولی این وزارت خانه به بهانه اینکه "بودجه نداریم" تعهدات خود را به زیر پا گذارد. آموزگاران می بینند که به حرفهای مسئولین دولتی نمی توان اعتماد کرد.

مبارزات صنفی و دموکراتیک همه اقشار جامعه را از دانشجویان، آموزگاران، خبرنگاران، پرستاران، دانش آموزان، نویسندگان، زنان و... در بر می گیرد. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بنا بر ماهیتش نمی تواند به خواستهای دموکراتیک و حقوق مردم توجه کند. این مبارزات برای هر قشری شکل خاص خود را از جمع آوری امضاء تا نمایشات خیابانی و نامه نگاری و مقاله نویسی دارد که همیشه به صورت مسالمت آمیز برگزار می شود. رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند این مبارزات مسالمت آمیز را تحمل کند و از اوج گرفتن جنبش نیز به شدت هراسناک است به این جهت سعی می کند با اعمال خشونت، با سرکوب مردم و به زندان انداختن و یا تعهدات سنگین مالی از آنها گرفتن از تداوم مبارزه آنها ممانعت کند. طبیعتاً تا زمانیکه ظلم و جور، تبعیضات، فساد، فقر، بی عدالتی و... در جامعه حاکم است زمینه بروز و رشد این جنبشها نیز فراهم است. این اعتراضات در پاره ای از زمینه ها خود را در اشکال سازمانی سازمانهای غیر دولتی نمایان می سازد که نفس موجودیت آنها ناشی از وجود

آسیبهای اجتماعی و لزوم مبارزه با آنها، و نارضایتی از نوع برخورد و یا بی توجهی حکومت به اهالی است. ترس رژیم از این است که دامنه این جنبشها به قدری گسترش یابد که آنها نتوانند به راحتی آنها را در نطفه خفه کنند.

برگرفته از توفان شماره ۱۳۵ خرداد ماه ۱۳۹۰ ماه ژوئن ۲۰۱۱، ارگان مرکزی حزب کارایران

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت. www.toufan.org
نشانی پست الکترونیکی (ایمیل). toufan@toufan.org